پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص ۱۵۷-۱۷۹ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 53, Autumn & Winter 2026/ 2027

تحلیل بینامتنی دعای عرفه إمام حسین (ع) با قرآن مجید

ابراهیم اقبال[1]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱)

چکیده

دعای عرفه إمام حسین(ع) یکی از دعاهای مأثور و مشهور است که هم‌چون دیگر سخنان و أحادیث و سنّت حضرات معصومین(ع) می‌تواند مورد سنجش و افزایش إعتبار قرار گیرد. شیوه‌ای با سابقه و معتبر در ارزیابی حدیث، هماهنگی آن با قرآن کریم یا «عرضه أخبار بر قرآن» است. در عصر حاضر، بخشی از این بررسی‌ها در دانشی جدید (در علم زبان‌شناسی و نقد أدبی) به نام« بینامتنیت» انجام می‌شود. این علم با وجود اختلافاتی در مبانی و روش‌ها و... هم‌چنان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. دعای عرفه از این منظر (بینامتنیت) بررسی و شناسایی نگردیده است. در این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی ارتباط دعای عرفه با قرآن مجید با روش متداول در بینامتیت مورد بررسی و بازیابی قرار دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امام حسین (ع) در این دعا، ضمن به کارگیری مستقیم عبارات قرآنی، به نام «نفی جزئی» (در اصطلاح بینامتنیت یا آرایه «تضمین») و تغییرات صرفی- نحوی و توسعه معنایی با اسم «نفی متوازی» (و آرایه «تلمیح» در علوم بلاغی) و در لایه‌های عمیق‌تر، مفاهیم قرآنی را بدون پای‌بندی به ألفاظ و کلمات، در قالب دعا و در مفاهیم إعتقادی و عبادی و معرفتی بازآفرینی می‌کند و اصطلاحا «نفی کلی» یا «حوار» صورت می‌گیرد. بدین‌سان نمونه‌ای از ارتباط کلام معصومان (ع) با قرآن کریم، از نگاهی دیگرجلوه‌گر می‌شود و بر والایی إعتبار، بالایی جلالت و فزونی طراوت کلام إمام(ع) افزوده می‌گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن مجید، امام حسین(ع)، دعای عرفه، بینامتنیت، متن حاضر، متن غایب.

۱. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ eeghbal@ut.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

۱.بیان مسأله

دعا و متن و عبارات آن، بخشی از معارف و منابع اسلام است کـه بـه چنـدین إعتبـار هم‌چون ارزیابی و بررسی سندی، متنی و منبعی، ساختاری و أسلوبی و محتـوایی، آداب و دستورالعمل‌های دعا، مقایسه با دیگر دعاهای مأثور و خصوصا ارتباط آنها با قـرآن کـریم به عنوان مهم‌ترین و معتبرترین منبع در اسلام، قابل تحقیق و بررسـی اسـت. یکـی از ایـن أدعیه، دعای عرفه إمام حسین(ع) است که با قـرآن مجیـد ارتبـاط تنگـاتنگی دارد. ایـن ارتباط از منظر علم بینامتنیت (شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی معاصر) نیز می‌تواند بررسـی و شناسایی قرار گیرد. سؤال أصلی در مقاله حاضر این اسـت کـه میـان دعـای عرفـه إمـام حسین(ع) با قرآن کریم چه روابطی از منظر علم بینامتنیت قابل بازیابی و شناسایی است؟

۲. مقدمه

قبل از ورود به اصل مقاله، توجه به این نکات مقدماتی ضروری است:

۲-۱. أهمیت و ضرورت

أهمیت تحقیق حاضر، بیشتر در این أمر است که ارتباط یک متن دعا را با قرآن مجیـد به عنوان یک متن وحیانی معتبر، از منظر علم جدید بینامتیت روشن سازد و از این راه نیـز به إعتبار دعا بیافزاید و لزوم عنایت بیشتر بندگان به آن و شناخت و بهره‌گیری از آن را در سراسر عمرشان فراهم آورد؛ نه آن کـه انـدک أفـرادی تنهـا در عصـر روز عرفـه و شـب عیدقربان، آن دعا را بخوانند است. از نگاهی دیگر، همین مطالب بر ضرورت انجـام چنـین پژوهشی نیز دلالت دارد.

۲-۲. پیشینه و نوآوری

پیشینه پژوهش در مورد دعای عرفه حضرت أباعبدالله(ع)، نشان می‌دهد که علـی‌رغـم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

مقالاتی که در مورد آن نوشته شده است، پژوهشی در مورد ارتباط آن دعا با قرآن کریم خصوصا با رویکرد بینامتنیت، انجام نشده است. این مقاله درصدد است این خلأ پژوهشی را پر کند و این دعای شریف و نیز مفصل را با روش‌های متداول در این علم، مورد بررسی و شناسایی قرار دهد. نوآوری پژوهش بیشتر به جنبه بررسی در علمی نو و معاصر برمی‌گردد.

۲-۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، درصدد پاسخ به این پرسش‌های اساسی است: چه ألفاظ و عباراتی و چه مفاهیمی از قرآن کریم به دعای عرفه راه یافته است؟ نحوه و فرآیند انتقال آنها (عبارات و مفاهیم قرآنی) به دعا از منظر علم بینامتنیت چگونه است؟ بازیابی و شناسایی این دو امر، چگونه بر فهم بهتر و اعتبار بیشتر دعا رهنمون می‌سازد؟

۲-٤. مفاهیم نظری

در این بخش، دو مفهوم أساسی مقاله، دعای عرفه و بینامتنیت در دو زیربخش معرفی می‌شود:

۲-٤-۱. دعای عرفه

دعای عرفه إمام حسین(ع)، دعایی مأثور و منقول است که به این نام مشهور شده است؛گرچه کفعمی برای آن اسم «دعاء الحسین (ع) فی یوم عرفة» را آورده است (۳۵۲). راویان آن را بشیر و بشر دو فرزند غالب أسدی ذکر کرده‌اند (خویی، ۳۲۰/۳-۳۳۰). دعا را این أفراد در منابع خود آورده‌اند: (ابن طاووس، ۳۳۹/۲-۳۵۰؛ کفعمی،۳۵۲-۳۶۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۲۱۶/۹۵-۲۲۷ و زادالمعاد ۳۵۴-۳۷۸ (همراه با ترجمه فارسی توسط خود مجلسی؛ قمی،۵۱۴-۵۳۴). هرچند این پژوهش درصدد بررسی سندی و منبعی دعا نیست و برای اعتبار و صحت صدور، به متن و محتوی و معارف بلند و أسالیب کم‌نظیر نظر دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

دلیل نام‌گذاری این دعا به «عرفه»، چه بسا زمان و مکان صدور آن باشد؛ چه آن دعا در عصر و پاس آخر روز عرفه (شب عید قربان) و در عرفات صادر شده است. «عرفه» نامی برای روز نهم ذی‌الحجة و «عرفات» اسمی برای مکان وقوف (ماندن) حج‌گزاران در آن روز است (و از نظر عددی، «عرفات» جمع مؤنث سالم «عرفة» است). در متن دعا نیز اشاراتی به زمان و مکان صدور آن آمده است: «فَاجْعَلْ لَنَا اَللّهُمَّ فی هذِهِ الْعَشِیِّهِ نَصیباً مِنْ کُلِّ خَیْرٍ تَقْسِمُهُ بَیْنَ عِبادِکَ وَنُورٍ تَهْدی بِهِ... اِلَیْکَ اَقْبَلْنا مُوقِنینَ وَلِبَیْتِکَ الْحَرامِ امّینَ قاصِدینَ فَاَعِنّا عَلی مَناسِکِنا وَاَکْمِلْ لَنا حَجَّنا..» گویا دعا در هنگام غروب و آغاز شب پایان یافته است (نکـ : کفعمی، ۳۶۴).

دعای عرفه إمام حسین(ع) را (با وجود طولانی و مفصل بودن) به إعتبار ساختار، می‌توان به هفت فراز (بخش) و به لحاظ مضمون و محتوی به چهار قسم کلی، تقسیم کرد. أسلوب زیربخش‌ها و فقرات دعا نیز می‌تواند مورد توجه باشد. گرچه مضامین چهارگانه در بخش‌های هفت‌گانه و در أسالیب تکرار می‌شود.

مضامین أصلی چهارگانه عبارتند از:حمد و سپاس و ستایش خداوند؛ بیان جایگاه و توصیف وضعیت خود إمام(ع)؛ صلوات بر حضرت محمد(ص) و خاندان او؛ دعاهای صریح و روشن إمام حسین(ع). این مضمون‌ها در دعا تکرار می‌شوند و به إعتبار همین تکرارها، فرازهای هفت‌گانه شکل می‌گیرند؛ یا هر فراز، به نوعی مرکب از همین مضامین کلی است؛ گرچه اندازه، أسلوب و جزئیات این مضمون‌ها در بخش‌های هفت‌گانه، یکسان نیستند و تفاوت و تنوع در آنها، به دعا عظمت و جلالت می‌بخشد و بر زیبایی آن می‌افزاید.

دعای عرفه را به اعتبار چهارمضمون أصلی (یادشده) و شروع و پایان و از سرگیری دوباره آنها، می‌توان به هفت فراز تقسیم کرد و هر فراز را به لحاظ آن مضامین و أسلوب و جنبه‌های اختصاصی و... مورد بررسی و شناسایی قرار داد. با توجه به این که دعای عرفه نسبتا طولانی است و به متن آن ارجاع داده می‌شود، جهت تسهیل در یافتن عبارت مورد نظر، اشاره به فرازها و آغاز و پایان آنها لازم می‌آید:

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

فراز نخست دعای عرفه از «اَلْحَمْدُ لله الّذی لَیْسَ لِقَضآئِهِ دافِعٌ...» آغاز می‌شود و با «اَجْعَلْ لی یا اِلهی الدَّرَجَةَ الْعُلْیا فِی الاْخِرَهِ وَالاُوْلی» پایان می‌یابد. این فراز، طولانی‌ترین بخش دعا است و أسلوب دعا در حالت غائب و خطاب، در تغییر است.

فراز دوم را می‌توان از «اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَما خَلَقْتَنی فَجَعَلْتَنی سَمیعاً بصیراً...» تا «... اَنْ لا تُمیتَنی عَلی غَضَبِکَ وَلا تُنْزِلَ بی سَخَطَکَ» به حساب آورد.

بخش سوم دعا از «لَکَ الْعُتْبی» تا «... وَاَتْمِمْ عَلَیْنا نِعَمَکَ وَاَسْعِدْنا بِطاعَتِکَ» را در بردارد. حجم عبارات، حدوداً با فراز اول برابری می‌کند.

فراز چهارم دعا از «سُبْحانَکَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ...» آغاز می‌شود و با عبارت «وَعَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ» پایان می‌یابد. عبارات این فراز و فراز پنجم و نیز فراز هفتم (به اعتباری) از چهار فراز دیگر دعا، کوتاه‌تر است.

آغاز فراز پنجم «اَللّهُمَّ اِنّکَ اَقْرَبُ مَنْ دُعِیَ...» و آخر آن «آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ» است.

فراز ششم از «اَللّهُمَّ یا مَنْ مَلَکَ فَقَدَرَ وَ قَدَرَ فَقَهَرَ...» تا «... وَادْرَءْ عَنّی شَرَّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالاِنْسِ» را شامل است.

بخش هفتم و پایانی دعای عرفه با «یا اَسْمَعَ السّامِعینَ...» شروع و با «وَاَنْتَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ یا رَبِّ یا رَبِّ» تمام می‌شود. این پایان در صورتی است که با اقدام کفعمی (۳۶۴) و به تبعیت از او، مرحوم مجلسی، زاد المعاد (۳۷۸) همراهی شود.

۲-٤-۲. بینامتنیت

«بینامتنیت» دانشی نوظهور در علم زبان‌شناسی و نقد أدبی است که «بر پایه أصل أساسی آن، هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و هر متنی بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شود...» (نامور مطلق، ۲۴) و متن، یک نظام بسته، مستقل و خودکفا نیست، بلکه دارای پیوندی دوسویه و عمیق با دیگر متون است مکاریک، ۷۲). از منظر این علم، درک کامل یک متن مستلزم بررسی إرتباط آن با سایر متون است و صرف تحلیل روابط درون‌متنی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

برای فهم آن کافی نیست (قائمی‌نیا، ۴۱۳). گرچه بینامتنیّت بر تقابل با شیوه سنّتی و نقد منابع بنا نهاده شده و یکی از ویژگی‌های مشترک آراء کریستوا و بارت (دو تن از مؤسسان علم) تقابل با نقّادان منبعی است، ولی در تحقیقات بینامتنی ایران، نوعی شکل گرفته که بیشتر به نقد منابع شباهت دارد (نامور مطلق، ۱۷). هرچند مبانی و أصول و روش‌های این علم، حتی نزدپایه‌گذران و صاحب‌نظران آن هم یکسان نیست. تحقیق حاضر بر أساس روش غالب در ایران انجام می‌شود.

روش بینامتنی، سه رکن دارد: متن حاضر (موضوع تحلیل)؛ متن غایب یا پنهان (که به صورتی در متن حاضر، نهفته و پنهان است) و عملیات بینامتنی (بررسی و شناسایی فرآیند انتقال و تغییر لفظ یا معنی از متن غایب به حاضر). این أمر نه تنها به کشف متون نهفته می‌پردازد، بلکه سازوکار تبدیل و بازآفرینی آن‌ها را در متن جدید روشن می‌کند (و نکـ : جمعه، ۱۴۴). این بازآفرینی یا بازشناسی متن پنهان در متن حاضر، غالبا به سه صورت انجام می‌شود: نفی جزئی یا إجترار؛ نفی متوازی یا إمتصاص و نفی کلی یا حوار (تعریف هریک در ادامه و در آغاز زیربخش‌ها می‌آید). واژه «نفی» در این صورت‌های سه‌گانه، چه بسا به معنای طردکردن و دورساختن و افکندن باشد؛ چه در معنای آن آمده است: «نَفَیت الرجلَ و غیرَه إذا طَرَدتَهُ و نَفیُ الریح: ما نَفَی مِن التراب فی أصول الحیطان و نحوِه (فراهیدی، ۳۷۵/۸؛ نفی رجل یا چیزی به معنای طردکردن آن است و «نَفیُ الریح»: خاکی است که باد در پای دیوار و جایی می‌اندازد) و «نَفَت السحابةُ ماءَها: أسالَتهُ و صَبَّتهُ» (المعجم الوسیط، ۹۴۳، ماده «نفی»؛ آن ابر، آب خود را به حرکت درآورد و فرو ریخت). گویا در این معنای اصطلاحی، متکلم لفظ یا معنایی را از کلامی می‌گیرد و به نوعی دور می‌سازد و در کلام خود فرود می‌آورد. اگر این فرآیند در کلماتی اندک و کلامی کوتاه با حفظ معنای اصلی باشد، «نفی جزئی» نامیده می‌شود و اگر مبتنی بر بازتولید لفظ و معنای متن غائب در کلام حاضر باشد، «نفی متوازی» خوانده می‌شود و در صورت بازآفرینی مضمون متن غائب و بدون توجه به ألفاظ، «نفی کلی» نام می‌گیرد. توضیح بیشتر و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

معادل‌های آن، در ادامه می‌آید.

در این مقاله، دعای عرفه امام حسین(ع) به عنوان متن حاضر و قرآن مجید بـه عنـوان متن غائب، مورد بررسی قرار می‌گیرد و فرآیند انتقال و بازآفرینی کلمـات و معـانی قـرآن کریم در این دعا، به سه صورت یادشده، بازیابی و شناسایی می‌شود.

۳. صورت‌های بینامتنیت دعای عرفه با قرآن

در این بخش با توجه به صورت‌های سه‌گانه بینامتنیت و تعریف آنها و رعایـت أرکـان سه‌گانه آن، در سه زیربخش، نمونه‌هایی روشن از روابط بینامتنیت دعای عرفـه بـا قـرآن، مورد شناسایی و واکاوی قرار می‌گیرد. با این تذکر که این موارد، تنها از باب نمونه هسـتند و مراتب قطعا بیش از اینها است:

۳-۱. نفی جزئی/ اجترار

نفی جزئی در بینامتنیت آن است که بخشی از متن غایب (یک کلمه یا یک عبـارت یـا یک جمله) بدون تغییر معنی، در متن حاضر بیاید و کمتر نوآوری و إبتکاری در آن ایجـاد شود و به نوعی متن حاضر، ادامه متن غایب باشـد (عـزام، ۱۱۶). نـام دیگـر ایـن فرآینـد «إجترار» است که در لغت به معنای نشخوارکردن و دوباره‌جویدن است. شباهتی بـه آرایـه أدبی «تضمین» دارد (تضمین، آوردن بخشی از کلام دیگری در شعر یا سخن و ذکر نـام او درصورت مشهورنبودن (هاشمی، ۲۰۰). ویژگی أصلی این رابطه، إنطبـاق لفظـی و معنـایی بخش مذکور با متن مبدأ است. اینک چهار نمونه:

۳-۱-۱. متن حاضر: «لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُاللَّطِیفُ الْخَبِیرُ وَهُوَ عَلی کُـلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ».

این عبارات در فراز اول دعای عرفـه إمـام حسـین(ع) و در زیـربخش حمـد و ثنـای خداوند و فقرات نخست دعا و بعد از عباراتی به زبان خود حضرت(ع) و قبل از شهادت و گواهی‌دادن به ربوبیت و ذکر نعمات و... آمده است. این بخش، خود به چند قسـمت، قابـل

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

تقسیم است: «لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ و هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ»؛ «اللّطیفُ الْخَبیرُ» و «هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ».

متن غائب: «لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ و هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ» در قرآن کریم، سوره الشوری، ۱۱، آمده است؛ گرچه جداگانه «انَّ اللّه هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ» (فاطر، ۲۰) و «إنَّه هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ» در الإسراء، ۱ و فاطر، ۵۶ و به صورت «سمیعٌ بصیرٌ» در آیات دیگری ذکر شده است و «اللّطیفُ الْخَبیرُ» به صورت «هوَ اللَّطیفُ الخَبیرُ» در الأنعام، ۱۰۳ و الملک، ۱۴ و «إنَّ اللَّهَ لطیفٌ خبیرٌ» در دو مورد آمده است و «هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ» در چند آیه مثل هود، ۴؛ الشوری، ۹؛ الحدید،۲ و... و با اندکی تفاوت لفظی و به صورت‌های «و اللهُ علی...» و «و انَّ اللهَ علی...» و «و انّه علی...» در آیات زیادی تکرار گردیده است (نکـ : عبدالباقی، ۸۲۲).

عملیات بینامتنیت: إمام حسین(ع) فراز نخست دعای خود را با آیاتی مشهور از قرآن مجید، با حفظ معانی و مختصات زبانی و بدون تغییر آغاز کرد و با این اقدام و تضمینِ چند عبارت قرآنی، به دعا جانی دیگر بخشید. در این فراز، آیات قرآن در بافت دعا بازتولید گردید و با توسعه معنایی، هم به‌عنوان الگویی أدبی برای آموزش شیوه صحیح دعا و مناجات و هم به‌عنوان تذکری إلهی درباره مثل و مانند نبودن خداوند به هیچ‌یک از مخلوقاتش و صفاتی همچون سمیع، بصیر، لطیف، خبیر و قدیربودن بیان شد و ماهرانه آیات و مفاهیم قرآنی باعبارات دعا تلفیق گردید یا چند نمونه «تضمین» واقع شد و نمونه‌هایی روشن از نفی جزئی یا إجترار در بینامتیت صورت گرفت.

۳-۱-۲. متن حاضر: «ذلِکَ وَ اَنتَ المُخبِرُ فی کِتابکَ النَاطِقِ وَ النبَاءِ الصّادِقِ وَ اِن تَعُدُوا نِعمَهَ الله لا تُحصُوها».

این کلام نیز در فراز اول دعا و حدودا قسمت پایانی و توصیف حال و ذکر نعمت‌های خداوند آمده است. در این عبارت «وَاَنْتَ الْمُخْبِرُ فی کِتابِکَ النّاطِقِ وَالنَّبَإِ الصّادِقِ» نمونه‌ای برای«نفی کلی/ حوار» (۳-۳-۳ همین نوشتار) و تصریح به «تضمین» کلام الهی است و «وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَهَ اللهِ لا تُحْصُوها» مورد نظر برای نفی جزئی است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

متن غائب: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» این کلام عینا در قالب بخشی از دو آیه قرآن، سوره ابراهیم، ۳۴ و النحل، ۱۸ آمده است.

رابطه بینامتنی: در این قسمت از فراز دعای عرفه، سخن از نعمت‌های بسیار زیاد خداوند و ناتوانی خلق بر شمارش آنها و (نیز ناتوانی از) شکرگزاری حتی یکی از آنها است. آن‌گاه برای تأیید و تکمیل مطلب به آیه مذکور استناد گردید و با ذکر «وَ اَنْتَ الْمُخْبِرُ فی کِتابِکَ النّاطِقِ...» تضمین آیه شریفه، مورد تأکید قرار گرفت؛ چه آیه قرآن‌بودن «وَإِنْ تَعُدُّوا...» بس روشن بود.

در سوره ابراهیم ، آیات ۲۸ تا ۳۳ (قبل از آیه مذکور) نیز از نعمت‌های خداوند، مانند آفرینش آسمان‌ها و زمین، نزول باران، جاری‌شدن رودخانه‌ها، امکان کشتیرانی، تسخیر خورشید و ماه، آفرینش شب و روز، سخن در میان است؛ نعمت‌های عام و کلی که در آنها نعمت‌های بی‌شماری قرار دارد.

در سوره النحل، نعمت‌های الهی تفصیل بیشتری می‌یابد و تقریبا از آیه سوم تا قبل از آیه مزبور (۱۸) به این أمر اختصاص می‌یابد و علاوه بر تکرار نعمت‌های کلی یادشده در سوره إبراهیم، نعمت‌های دیگری همچون آفرینش چهارپایان و شتر، اسب، قاطر، الاغ و گیاهان و... تصریح می‌شود. امام حسین(ع) نیز به نوعی چنین چنین بیان می‌دارد و با استناد به آیه قرآن مجید و تضمین صریح آن، سخن و معنای مورد نظر خود را تقویت می‌کند و آن را إرتقاء می‌بخشد. تحقق «إجترار» در این بخش از فراز نیز روشن است.

۳-۱-۳. متن حاضر: «یا اِلهی اَشْهَدُ بِجَهْدی وَ جِدّی وَ مَبْلَغِ طاعَتی وَ وُسْعی وَ أَقُولُ مُؤْمِناً مُوقِناً اَلْحَمْدُ لله الّذی لَمْ یَتّخِذْ وَلَداً فَیَکُونَ مَوْرُوثاً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فی مُلْکِهِ فَیُضآدَّهُ فیَما ابْتَدَعَ وَ لا وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ فَیُرْفِدَهُ فیما صَنَعَ فَسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ لَوْ کانَ فیهما اِلهَهٌ اِلا الله لَفَسَدَتا وَ تَفَطَّرَتا سُبْحانَ اللهِ الْواحِدِ الاَحَدِ الصَّمَدِ الّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ».

این کلام نیز در فراز اول دعا و بعد از حمد و تسبیح و توصیف حال در سه زیربخش و قبل از ذکر صلوات است و ذکر شهادتی است در اوج بلاغت و فصاحت و رسایی و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

زیبایی، با صورت‌گرفتن چندین مورد اجترار در این فقـرات: «اَلْحَمْـدُ لله الّـذی لَـمْ یَتّخِـذْ وَلَداً»، «وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فی مُلْکِهِ»،« وَلا وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ»، «فَسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ»، «لَـوْ کـانَ فیهما اِلهَهٌ اِلا الله لَفَسَدَتا»، «سُبْحانَ الله»، «الْواحِدِ»، «الاَحَدِ الصَّمَدِ الذی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ».

متن غائب: موارد مذکور در کلام إمام(ع)، برگرفته از قرآن مجید و موجود در آن است. با این بیان: «**اَلْحَمْدُ لله الّـذی لَـمْ یَتّخِـذْ وَلَـداً**» در الإسـراء، ۱۱۱ (آخـرین آیـه) و جداگانـه «**اَلْحَمْدُلله**» در موارد بسیار، مثل الفاتحه: آیه ۲، الأنعام، ۱؛ الأعـراف، ۴۳ و ... و «**لَـمْ یَتّخِـذْ وَلَداً**» در الفرقان، و شبیه آن در الجن، ۳ و معنای آن در چند مورد: «**وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فی مُلْکِهِ**» در ادامه همان آیه آخر الإسراء و در آیه دوم الفرقان با لفظ «المُـل»؛ «**وَلا وَلِـیٌّ مِـنَ الذُّلِّ**» در آیه سوره الإسراء با «و لَم یَکُن لَهُ...»؛ «**سُبْحانَهُ**» و«**سُبْحانَ الله**»، با کاربرد بسـیار: کلمه اول در البقره، آیه ۱۱۶ و النساء، ۱۷۱ و الأنعام، ۱۰۰ و... کلام دوم در یوسـف، ۱۰۸ و الأنبیاء، ۲۲ و المؤمنـون، ۹۱ و...؛ «**لَـوْ کـانَ فیهمـا اِلهَـهٌ اِلا الله لَفَسَـدَتا**» در الأنبیـاء، ۲۲؛ «**اَلْواحِدِ**» در یوسف، ۳۹ و سوره ص، ۶۵ و الزمر، ۴، به صورت «**اللّه الواحد**» «**الاَحَدِ الصَّمَدِ الذی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ**» در سوره الإخلاص با تفاوتی اندک: «**قُلْ هُوَ اللَّـهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَد ...**».

فرآیند بینامتنیـت: امام حسین(ع) در این قسمت از دعای خود، شـهادت و گـواهی بـه مقام ربوبی و نعمت‌های الهی را با نهایت توان مطرح می‌کند و با تحمید و تسـبیح خداونـد همراه می‌سازد و با استفاده بسیار از آیات و عبارات قرآن، کلام زیبـای خـود را بـا کـلام خداوند در هم می‌آمیزد و به نوعی خود را محو درخداوند می‌بیند و با نهایت مهارت، کلام خداوند را با حفظ لفظ و معنای اصلی در أسلوب دعای خود به‌کار می‌گیرد و بدین وسـیله نورانینت بیشتری به کلام خود می‌بخشد و ارتباط و معرفت خـود را نسـبت بـه خداونـد و کلامش در قرآن جلوه‌گر می‌سازد. صورت‌پذیرفتن چندین نفی جزئی (در صُوَر بینامتنیـت) یا «تضمین» در این قسمت نیز مشخص است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

۳-۱-۴. متن حاضر: «لاالِهَ اِلاّ اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، لَکَ الْمُلْکُ وَ لَکَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ یا رَبِّ یا رَبِّ».

این سخن إمام(ع) در فراز هفتم و پایان دعا آمده است و دوباره در این قسمت نیز چندین نفی جزئی وجود دارد: «لاالِهَ اِلاّ اَنْتَ»، «وَحْدَکَ»، «لا شَریکَ لَکَ»، «لَکَ الْمُلْکُ وَ لَکَ الْحَمْدُ»، «اَنْتَ عَلی کُلِّ شیْءٍ قَدیرٌ» و «یا رَبِّ یا رَبِّ».

متن غائب: این فقرات دعا با قرآن مجید در ارتباط کامل است و به نوعی از آن به کلام إمام حسین(ع) راه یافته است. با این توضیح: «لاالِهَ اِلاّ اَنْتَ» (الأنبیاء، ۸۷) و نزدیک به آن «لاالِهَ اِلّا هُوَ» با بسآمدی بسیار در سوره البقره، ۱۶۳ و ۲۵۵ و آل‌عمران، ۲، ۶، ۱۸و... (عبدالباقی، ۴۹-۵۰ و «لاالِهَ اِلّا اللهُ» در سوره محمد (ص)، ۱۹ و انبوه کاربرد دیگر در آیات قرآن مجید؛ «وَحْدَکَ» با تغییر در ضمیر متصل و با «وحدَهُ» در؛ «قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ...» (الأعراف، ۷۰) و «وَإِذَا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ ...» (الإسراء، ۴۶) و سه مورد دیگر؛ «لا شَریکَ لَکَ» با تغییر اندک: در؛ «لَا شریکَ لهُ» (الأنعام، ۱۶۳) و دوبار در الإسراء، ۱۱۱ و الفرقان، ۲؛ «و لم یکُن لهُ شریکٌ فی المُلکِ»؛ «لَکَ الْمُلْکُ وَلَکَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ» هر سه با هم در التغابن، ۱: «... لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ» و جداگانه «...لَهُ المُلکُ...» در البقره، ۲۴۷، الأنعام، ۷۳ و ... و «لَکَ الحمدُ» به صورت «لهُ الحمدُ» در القصص، ۷۰ و سوره سبأ، ۱ و با «الحمدُ لِلَّه» در مواردی زیاد و «وَ اَنْتَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ» با تفاوتی در ضمیر «و هوَ...» در المائده،۱۲۰و هود، ۴و الروم،۵۰ و با «إنَّ اللهَ ...» در البقره،۲۰، ۱۰۶، ۱۰۹و ۱۴۸و کاربردهایی دیگر و «یا ربِّ» در الزخرف، ۸۸ و «ربِّ» به همان معنی (و با حذف حرف ندای «یا» در انبوهی کارکرد، مثل: البقره، ۱۲۶، «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ ...» و آل عمران، ۳۵، ۳۶ ، ۳۸، ۴۰ و... . ملاحظه می‌شود این قسمت از دعا، همان ألفاظ و معانی قرآنی است و تنها با تغییری در ضمیر، أسلوب غائب آنها به خطاب تغییر یافته است.

مدار بینامتنی: در پایان دعا و آخرین عبارات آن، مدار رابطه اجترار دوباره خودنمایی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

می‌کند و چندین عبارت قرآنی (موجود در سراسر آن) در این قسمت دعا، در کنار هم قرار می‌گیرد و به اعتبار لفظی، تنها در مواردی ضمیر غائب به خطاب تغییر می‌یابد ولی معنی بدون تغییر است و بدین سان و با نهایت مهارت، کلام خداوند در دعای معصوم(ع) باز آفرینی می‌شود و به آن تجلی خاصی و اعتباری اختصاصی می‌دهد. از سوی دیگر آموزه‌ای در دعاکردن مورد تأکید قرار می‌گیرد که بندگان بعد از طرح دعاهای خود (و با رعایت آداب قبلی در دعا) راز و نیاز خود را نیز با ذکر توحید و تحمید و واگذار کردن همه أمور به خداوند و منادَی‌ساختن ذات ربوبی پایان دهند و چه بهتر که از کلمات و عبارات موجود در کلام خداوند بهره گیرند و آنها را «تضمین» کنند. نفی جزئی/ اجترار در پایان دعا نیز نمایان است.

در این زیربخش، گرچه در چهار عنوان، نمونه‌هایی برای نفی جزئی یا إجترار در بینامتنیت مطرح گردید ولی در واقع هر یک خود متشکل از چند نمونه بود. نیز لازم به تذکر است که موارد زیاد دیگری از این صورت بینامتنیت در دعای عرفه حضرت أباعبدالله الحسین(ع) موجود است که به دلیل محدودیت در تحقیق، تنها به موارد یادشده بسنده گردید.

۳-۲. نفی متوازی / امتصاص

نفی متوازی یا امتصاص در روابط بینامتنی، مبتنی بر پذیرش و بازتولید جوهره متن غایب در متن حاضر است، بی‌آن‌که تغییری أساسی در معنای آن ایجاد شود (موسی، ۵۵). در این فرآیند، مؤلف با ایجاد سازشی آگاهانه میان متن غایب و حاضر، از معنای أصلی متن غایب دفاع می‌کند، اما ممکن است با افزودن لایه‌های معنایی جدید یا تنوع‌بخشیدن به آن، به غنای مفهومی متن حاضر بیافزاید. این رویکرد نه‌تنها به قداست و أهمیت متن غایب إعتراف دارد بلکه با برقراری تعاملی پویا، به إستمرار و حیات مجدد آن در بافت جدید یاری می‌رساند (بنیس، ۲۵۳). واژه «إمتصاص» به معنای مکیدن و جذب کردن است. در دعای عرفه این نوع زمانی محقق می‌شود که امام حسین(ع) با إعمال تغییراتی در

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

ساختار صرفی یا نحوی عبارات قرآنی، آن‌ها را در بافت جدید دعا به کار می‌گیرد. این تغییرات ممکن است شامل مواردی چون افزودن یا حذف واژگان، تغییر در ترکیب‌های نحوی، تقدیم و تأخیر أجزای جمله و تغییر در صیغه‌های صرفی باشد. نفی متوازی از جهت عدم تکرار عین عبارت و حفظ هسته معنایی اصلی باوجود تغییرات ظاهری، به صنعت أدبی «تلمیح» شباهت دارد (إشاره به ماجرا یا شعر یا مَثَلی مشهور، بدون ذکر نام گوینده. هاشمی، ۳۰۲) و إنعطاف‌پذیری ألفاظ قرآن در تطبیق با بافت جدید را نشان می‌دهد. تحقق این رابطه منجر به تقویت تأثیر کلامی، توسعه معنایی متن غایب و نمایش تسلط أدبی إمام بر متن قرآن می‌شود. در ادامه چهار نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۳-۲-۱. متن حاضر: «اِبْتَدَاْتَنی بِنِعْمَتِکَ قَبْلَ اَنْ اَکُونَ شَیْئاً مَذْکُورا وَخَلَقْتَنی مِنَ التُّرابِ ثُمَّ اَسْکَنْتَنِی الاَصْلابَ آمِناً وَ اَسْکَنْتَنی فی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ بَیْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ».

این کلام امام حسین(ع) در فراز اول دعا و زیربخش نخست آن، پس از حمد و ثنای الهی و در مقام توصیف حال خود آمده است و برگرفته ازچند عبارت و مفهوم قرآنی در این تعبیرات است: «اِبْتَدَاْتَنی بِنِعْمَتِکَ قَبْلَ اَنْ اَکُونَ شَیْئاً مَذْکُورا»، «وَخَلَقْتَنی مِنَ التُّرابِ» و «وَ اَسْکَنْتَنی فی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ بَیْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ».

متن غائب:عبارات یادشده از دعا با آیاتی از قرآن کریم در ارتباط است؛ با این توضیح: «اِبْتَدَاْتَنی بِنِعْمَتِکَ قَبْلَ اَنْ اَکُونَ شَیْئاً مَذْکُورا» با آیه: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا» (الإنسان، ۱)؛ «وَ خَلَقْتَنی مِنَ التُّرابِ» با چند آیه از قرآن: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ...» (الحج، ۵)؛ «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ...» (الروم، ۲۰)؛ «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ...» (فاطر،۱۱؛ غافر، ۶۷) ؛ «وَاَسْکَنْتَنی فی ظُلُماتٍ ثَلاثٍ بَیْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ» با آیه: «... يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ...» (الزمر، ۶).

ارتباط بینامتنیت: حضرت امام حسین(ع) در این قسمت از دعا، در مقام توصیف حال و ذکر نعمت‌های خداوند برای خودشان است و به آفرینش خود، به واسطه نعمت خداوند و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

حتی پیش از آن که موجود درخورِ ذکری باشد، می‌پردازد و لفظ و معنای آیه نخست سوره انسان را در کلام خود، بازآفرینی می‌کند و با حفظ جان‌مایه أصلی آیه (سپری‌شدنِ بخشی از روزگار بر همه انسان‌ها که چندان درخورِ یاد نبودند) انتقالی زیبا صورت می‌پذیرد که خلقت نخست آن حضرت(ع) به دلیل نعمت خداوند انجام شده است و دیگر آن که او نیز همانند دیگر افراد انسانی، پیش از نعمت آفرینش، موجود مذکوری نبوده است و این، زبان حال هر انسانی است و هرشخصی هنگام دعا و راز و نیاز ، لازم است به آن توجه داشته باشد و حتی به آن إقرار زبانی کند.

آن‌گاه به مرحله بعد در خلقت اشاره می‌شود که آن آفرینش جسم و بدن از خاک (و محصولات برآمده از آن) است. این أمر (خلقت انسان از خاک) نیز به چند منظور در قرآن مورد توجه است: اثبات بعث و معاد جسمانی و رفع شک و تردید در وقوع آن، در آیه ۵ سوره الحج؛ بیان یکی از نشانه‌های (وجود) خداوند، در آیه ۲۰ سوره الروم و تأکید بر این که (خود) خداوند، افراد بشر را از خاک خلق کرده و می‌کند، در آیه ۱۱ سوره فاطر. إمام(ع) با إشاره به این بخش از آیات یادشده « ...**خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ** ...»، به نوعی به آن أغراض هم توجه می‌دهد.

پس از آن، مرحله بعدی در آفرینش انسان بیان می‌شود و آن قرارگرفتن در أصلاب و رَحِم مادر است که با تاریکی سه‌گانه (و اشاره به گوشت، خون و پوست) به صورت کنایه ذکر می‌گردد و با آیه «... **يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ**...» (الزمر، ۶) ارتباط می‌یابد که هم شکم مادران و مراحل تکامل جنین و هم توصیف تاریکی آن است.

در این قسمت از کلام، حفظ جان‌مایه لفظ و معنای قرآن و انتقال و بازآفرینی آن در قالب دعا و کلام إمام(ع) ملاحظه می‌شود و چند نمونه برای نفی متوازی/ امتصاص و نیز «تلمیح» تحقق می‌یابد.

۳-۲-۲. متن حاضر: «صَلّى اللهُ عَلى خِيَرَتِهِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ الْمُخلَصِينَ وَسَلَّمَ».

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

این ذکر در هریک از فرازهای هفت‌گانه دعای عرفه و معمولا قبل از طرح دعاها و درخواست‌های صریح إمام حسین(ع) به صورتی تقریبا مشابه تکرار شده است. با این توضیح که در فراز اول، با عبارت یادشده و با «صَلِّ علی محمدٍ و آلِ محمدٍ» در فرازهای دوم، سوم، چهارم و هفتم و با کمی افزوده: «اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ کَما مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِذلِکَ مِنْکَ یاعَظیمُ فَصَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلی الِهِ الْمُنْتَجَبینَ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ» در فراز ششم آمده است. دعا غالباً با فعل أمر «صلِّ» و تنها دریک مورد با فعل ماضی«صَلّی» در معنی دعا و إنشاء ذکر شده است.

متن غائب: ذکرهای صلوات در دعا با این آیه از قرآن کریم ارتباط دارد: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیمًا» (الأحزاب، ۵۶) این آیه شریفه، همانند بیشتر آیات سوره الأحزاب، وظیفه مسلمانان را در قبال پیامبر اسلام(ص) بیان می‌دارد (نکـ : خامه‌گر، ۱۴۰) و یکی از آداب لازم برای مسلمانان را ذکر می‌کند و حاوی یک خبر است: خداوند و ملائک بر نبیّ(ص) صلوات و درود می‌فرستند و یک فرمان و یک وظیفه را برای مؤمنان و مسلمانان تشریع می‌کند: ای مسلمانان! به پیامبر(ص) صلوات و سلام بفرستید.

رابطه بینامتنی: حضرت أباعبدالله(ع)در این عبارات از دعای خود، به معنی و دستور خداوند در آیه ۵۶ الأحزاب عمل می‌کند و از او (خداوند) می‌خواهد و دست به دعا بر می‌دارد که بر حضرت محمد(ص) درود و سلام بفرستد و به آن، درود بر آل و خاندانش را می‌افزاید و با تکرار آن در همه فرازهای دعا، به أهمیت این ذکر تأکید می‌ورزد.

جایگاه کاربرد این ذکر در هریک از بخش‌های دعای عرفه یعنی پس از حمد و ثنای الهی و توصیف حال و پیش از عرضه دعاهای صریح، آموزه‌ای و آدابی در خود داردکه بندگان و مسلمانان نیز برای عرض دعا، بهتر است چنین کنند؛ زیرا خداوند دستور داده است که مسلمانان به نبیّ اسلام(ص) صلوات بفرستند؛ پس اگر چنین کنند، دعای آنان (در این خصوص) برآورده می‌شود. حال اگر دعا و درخواست دیگری را در کنار آن دعای مستجاب

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

مطرح کنند، به استجابت قرین خواهد بود؛ چه بعید است که خداوندِ رحمن و رحیم و کریم، به یک درخواست جواب دهد و درخواست جانبی آن را نادیده و ناشنیده بگیرد.

قابل ملاحظه است که جوهره و معنای متن غائب، با جان و دل پذیرفته می‌شود و در متن حاضر بازتولید می‌شود و طی فرآیندی، با تغییر در أسلوب و ألفاظ، آیه قرآن در ساختار دعا بازآفرینی می‌یابد. آرایه تلمیح یا امتصاص در این فقرات، آشکار است.

۳-۲-۳. متن حاضر: «اَللّهُمَّ اِنّکَ تُجیبُ الْمُضْطَرّ وَ تَکْشِفُ السُّوٓءَ وَ ...».

این کلام در آغاز فراز چهارم و پس از جمله‌ای در تسبیح خداوند: «سُبْحانَکَ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ اللّهُمَّ...» و توصیف حضرت ربوبی و ذکر صفات اختصاصی آمده است.

متن غائب: عبارت دعا با آیه شریفه «**أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ**» (النمل، ۶۲) مرتبط است. با این توضیح که در این آیه و آیات قبلی و بعدی النمل با «أَمَّنْ» (مرکب از «أم» منقطعه و «مَن» استفهامیه) چندین استفهام تقریری (إقرارگرفتن از مخاطب، نسبت به أمری که نزد او مسلم است. (نکـ : اقبال، ۱۸) مطرح می‌شود: «**أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ** ...» (النمل، ۶۰)؛ «**أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ**...» (النمل، ۶۱)؛ «**أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ** ...» (النمل، ۶۳) و «**أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ** ...» (النمل، ۶۴) (طباطبایی، ۱۵/۳۸۰-۳۸۳) و در قالب آنها، صفات اختصاصی خداوند مطرح و تأکید می‌شود.

مدار بینامتنی: در این قسمت و عبارت دعا، معنای أصلی آیه حفظ می‌شود؛ گرچه أسلوب غایب آن (آیه) به خطاب و ظاهر استفهام آن به خبر تغییر می‌یابد. معنای تقریر آن، به إقراری زیبا و در مقام تسبیح و توصیف خداوند نمایان می‌گردد. این کلام، دعایی غیر صریح نیز در خود دارد و برآورده شدن دعای مضظر و برطرف‌شدن بدی را، به صورت غیرمستقیم مطرح می‌کند. در این مورد نیز، چرخه بینامتنیت از نوع نفی متوازی یا امتصاص است؛ گرچه با نگاه جزئی به «**تُجيبُ الْمُضْطَرّ وَ تَكْشِفُ السُّوٓءَ**» ارتباطی با نفی جزئی نیز پیدا می‌کند.

۳-۲-۴. متن حاضر: «وَمُنْزِلَ التّوريهِ وَالاِ نْجيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقانِ وَ مُنَزِّلَ کهيعص وَ طه وَ يسٓ وَ الْقُرآنِ الْحَکيمِ».

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

این سخن در آغاز فراز سوم دعا آمده است و إمام(ع) در مقام حمد و ثنای خداونـد و بیان نعمت‌های او است «یا وَلِیّی فی نِعْمَتی» و به ربوبیت و ألوهیت او بر خود و بر آبـاء و پدران خود إقرار دارد و نام حضرات إبراهیم، إسماعیل، إسحاق و یعقوب را برمـی‌شـمرد: «یا اِلـهی وَ اِلـهَ آبائی اِبْراهیمَ وَ اِسْماعیلَ وَ اِسْحقَ وَ یَعْقُوبَ» آن‌گاه به ربوبیت بر فرشتگان: «وَ رَبِّ جَبْرَئیلَ وَ میکائیلَ وَ اسْرافیلَ» و پس از آن حضرت محمد(ص) و خاندان پاکش: «وَ ربِّ مُحَمَّدٍ خاتِمِ النَّبِیّینَ وَ اِلهِ الْمُنْتَجَبینَ» شهادت می‌دهد و سپس بر نزول کتـاب‌هـای آسـمانی از سوی خداوند: «وَ مُنْزِلَ التّوریهِ...» إعتراف می‌ورزد.

متن غائب: عبارت مذکور («وَ مُنْزِلَ التّوریهِ وَالاِ نْجیـلِ ...»)در دعـا بـا قـرآن کـریم در ارتباط است؛ گرچه أمر در عبارات قبل آن نیز به همین منوال است. با آیات: «نَـزَّلَ عَلَیْـکَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ یَدَیْهِ وَ أَنْزَلَ التَّـوْرَاةَ وَ الْإِنْجِیـلَ * مِـنْ قَبْـلُ هُـدًی لِلنَّـاسِ وَ أَنْـزَلَ الْفُرْقَانَ...» (آل عمران،۳ و ۴) و «وَ قَفَّیْنَا عَلَی آثَارِهِمْ بِعِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ یَدَیْـهِ مِـنَ التَّوْرَاةِ وَ آتَیْنَاهُ الْإِنْجِیلَ فِیهِ هُدًی وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَـا بَـیْنَ یَدَیْـهِ مِـنَ التَّـوْرَاةِ وَ هُـدًی وَ مَوْعِظَـةً لِلْمُتَّقِینَ» (المائده، ۶) و «إِنَّا أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ کَمَا أَوْحَیْنَا إِلَی نُوحٍ وَ النَّبِیِّینَ مِنْ بَعْـدِهِ وَ أَوْحَیْنَـا إِلَـی إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ وَ إِسْحَاقَ وَ...وَ آتَیْنَا دَاوُودَ زَبُورًا» (النساء، ۱۶۳) و آیاتی دیگر.

در این آیات کریمه، از بعثت أنبیاء الهی از ناحیه خداونـد بـا ابـزار وحـی و نـزول آن (وحی) بر پیامبران و کتاب‌های وحیانی و آسمانی سخن در میان است.

فرآیند بینامتنیـت: در این قسمت از کلام إمام حسین(ع) نیز أصل معنـای آیـات قـرآن حفظ می‌گردد؛ گرچه معنای خبری و أسلوب متکلم آیات به نداء و دعا و به صیغه خطـاب تغییر می‌یابد. تعبیر از «مُنْزِلَ» (اسم فاعل«أَنْزَلَ») برای تورات و إنجیل و فرقان وَ «مُنَـزِّلَ» (اسم فاعل«نَزَّلنا») برای قرآن مجید و تفاوت تعبیر در آیـات، در کلمـات دعـا مـورد توجـه است. ألفاظ و معانی در ارتباط با قرآن توسعه پیدا می‌کند و با عطف عام «القرآنِ الحکیمِ» بـه خاص‌های«کـهیعص و طـه وَ یس» (اسم چنـد سـوره)، عـام (قـرآن) در مقایسـه بـا دیگـر کتاب‌های آسمانی، مورد عنایت بیشتری قرار می‌گیرد. ملاحظه می‌شود که طی یک فرآینـد و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

با مهارت تمام، معنی و لفظ آیات قرآن در دعا بازآفرینی می‌شود و از منظر دانش بینامتنیت، صورت نفی متوازی یا امتصاص و از نظر علوم ادبی و بلاغی، تلمیح واقع می‌گردد.

کما این‌که در دیگرموارد زیربخش، أمر به همین قرار بود. لازم به ذکر است که موارد مذکور تنها نمونه‌هایی بودند و دعای عرفه مملو از این روابط است.

۳-۳. نفی کلی/ حِوار

در روابط بینامتنی، نفی کلی یا حوار آن است که مؤلف به بازآفرینی کامل متن غایب می‌پردازد و آن را غالبا با تغییر معنی، به صورت ناخودآگاه در بافت جدید به کار می‌گیرد (وعدالله، ۳۷). در این شیوه، گوینده یا نویسنده با إلهام‌گیری از مفاهیم بنیادین متن غایب، به بازآفرینی و پردازش مضمونی می‌پردازد، بی‌آن‌که الزاماً از ألفاظ مشترک استفاده کند. این نوع به‌عنوان عالی‌ترین سطح روابط بینامتنی، مستلزم خوانشی عمیق و آگاهانه برای درک متن غایب است. در تمایز از دو صورت پیشین بینامتنیت که بر محوریت ألفاظ استوار بودند، بینامتنیت مضمونی به سطحی عمیق‌تر از ارتباط متنی اشاره دارد. کلمه «حوار» به معنای گفت‌وگو، تبادل نظر و پاسخ است و گویا میان دو متن، معنی و مضمونی ردّ و بدل می‌شود. اینک چهار مورد از این نوع رابطه:

۳-۳-۱. متن حاضر: «وَ هُوَ لِلدِّعَواتِ سامِعٌ». این جمله در بخش آغاز فراز نخست دعای عرفه و در مقام حمد و ثنای خداوند آمده است و یکی از صفات خداوند تعالی که آن شنیدن دعاها و برآورده‌ساختن درخواست‌ها است، ذکر گردیده است.

متن غائب: این بخش دعا با آیاتی از قرآن کریم مرتبط است: البقرة، ۱۸۶: «وَ إِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَ لْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ» در این آیه تشویق بندگان به درخواست از خداوند و وعده صریح برای پاسخگویی، روشن است (تفسیر آیه، نک : زمخشری، ۱۷۵/۱؛ طبرسی، ۵۰۱/۲-۵۰۲)؛ النمل،۶۲: «أَمَّنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوءَ»؛ غافر، ۱۴: «فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

الدِّینَ» و (غافر، ۶۰): «وَ قَالَ رَبُّکُمُ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ». در این دو آیه سوره غـافر، دسـتور خداوند به دعاکردن و قول به إجابت تصریح شده است.

رابطه بینامتنیت: در این جمله و فقره کوتاه دعا، مضمون چند آیه قرآن، بازآفرینی شده است و أمر و ترغیب بندگان به دعا و قول به استجابت در آیـات مـذکور، بـه ایـن معنـای تحقق‌یافته: «او درخواست‌ها و دعاها را می‌شنود و إجابت می‌کند» تغییر یافـت؛ جمـلات إنشائیه آیات (با فعل أمر) به خبر و جمله اسمیه ثابت تبدیل گردید. أسلوب تکلم و خطاب قرآن به غائب تغییر پیدا کرد و بدین‌سان لفظ و معنـای آیـات در دعـا و در مقـام تحمیـد خداوند بازآفرینی گردید. گذشته از این که دعایی غیر صریح نهفته گردید و شـنیده‌شـدن و برآورده‌شدن دعاها درخواست شد. با وجود این ویژگی‌هـا در ارتبـاط دو مـتن (حاضـر و غائب) صورت نفی کلی یا حوار، تحقق یافته است.

۳-۳-۲. متن حاضر: «فَأَیِّ نِعَمِکَ یا اِلهی اُحْصی عَدَداً وَ ذِکْراً امْ اَیُّ عَطـایاکَ اقُومُ بِهـا شُکْراً وَ هِیَ یا رَبِّ اَکْثَرُ مِنْ اَنْ یُحْصِیَهَا الْعآدّوُنَ...».

این کلام إمام(ع) درفراز اول و در قسمت‌های پایانی حمد و ستایش خداوند ذکر گردیـده است. گرچه تفصیل و بیان نعمت‌های خداوند در فرازها و عبارات دعا بسیار آمده است.

متن غائب:«وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (سوره ابـراهیم، ۳۴ و النحـل، ۱۸)؛ «فَـاذْکُرُوا آلَاءَ اللَّهِ ...» (الأعراف، ۶۹ و ۷۴)؛ «وَ اشْکُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ کُنْـتُمْ إِیَّـاهُ تَعْبُـدُونَ» (النحـل،۱۱۴)؛ «فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَـذِّبَانِ» (الرحمن،۱۳و سی آیه دیگر). این آیات بر بی‌شماربودن نعمت‌هـای خداوند و دستور به یادآوری و شکرگزاری و پذیرش و باورداشتن آنها تأکید دارد.

فرآیند بینامتنیت: در این سخن إمام(ع) طی فرآیندی، مفاهیم کلام خداونـد بـازآفرینی شده‌است: آیه شریفه «وَإِنْ تَعُدُّوا...» در «فَأَیِّ نِعَمِکَ یا اِلهـی اُحْصـی عَـدَداً» کـه اسـتفهام انکاری است و به ناتوانی بر شمارش نعمت‌های خداوند دلالت دارد (خدای مـن! تـوان آن ندارم که نعمت‌های تو را شماره‌کنم)؛ «فَاذْکُرُوا آلَاءَ اللَّهِ ...»، با عطف «ذکرا» به «عـددا» در «... اُحْصی عَدَداً وَ ذِکْراً» مرتبط گردید؛ «وَ اشْکُرُوا نِعْمَتَ اللَّـهِ...» در «اَیُّ عَطـایاکَ اقُـومُ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

بِها شُکْراً» که دوباره به ناتوانی بر شکرگزاری نعمت‌های الهی به صورتی شایسته و بسنده دلالت می‌کند و «فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ» با إقرار و إعتراف‌های صریح و برشمردن گوشه‌هایی از نعمت‌های خداوند در فرازهای دعا و در جای‌جای آن، جلوه‌گری دارد. علامه طباطبایی نوع استفهام را در آیه، عتابی یا توبیخی می‌داند (نک: ۹۳/۱۹ و تفسیر آیه، ۹۸-۹۹). جایگزینی «عَطایاکَ» با «نِعَمِکَ» و «آلاء» (در قرآن) بر هم‌پوشانی معنایی آنها دلالت می‌کند.

بنابراین، ارتباط «حوار» در این قسمت از کلام امام حسین(ع) نیز به دست می‌آید.

۳-۳-۳. متن حاضر: «ذلِکَ وَ اَنْتَ الْمُخْبِرُ فی کِتابِکَ النّاطِقِ وَ النَّبَاءِ الصّادِقِ وَ اِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لا تُحْصُوها صَدَقَ کِتابُکَ اَللّهُمَّ وَ اِنْبآؤُکَ».

این عبارت در ادامه کلام پیشین (۳-۳-۲) و پیش درآمدی برای تضمین آیه یا اجترار (در ۳-۱-۲) است و عبارت «صَدَقَ کِتابُکَ اَللّهُمَّ وَاِنْبآؤُکَ» برجمله نخست «اَنْتَ الْمُخْبِرُ...» تأیید و تأکید دارد.

متن غائب: « ... وَ لَدَیْنَا کِتَابٌ یَنْطِقُ بِالْحَقِّ...» (المؤمنون، ۶۳) و «هَذَا کِتَابُنَا یَنْطِقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا کُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (الجاثیة، ۲۹). در هر دو آیه شریفه، سخن از نامه و پرونده أعمال بندگان نزد خداوند است که کارهای آنان، به درستی در آن نوشته می‌شود و به حقیقت، آنها (أعمال) را بازگو می‌کند (نک: طباطبایی، ۱۷۸/۱۸)

جریان بینامتنی: در این عبارت از دعا، چند لفظ و معنای قرآنی، جریان یافته و بازیابی شده است: یکی«یَنطِقُ» قرآنی در «الْمُخْبِرُ» و «النّاطِقِ» دعا، با این تفاوت که در آیه، ظاهرا نامه أعمال سخن می‌گوید اما در دعا خداوند خبر می‌دهد،گرچه در واقع در هردو، این خداوند است که سخن می‌گوید؛ دیگری کلمه «کتابٌ» و «کِتَابُنَا» (پرونده أعمال) در «کِتابِکَ» دعا (به معنای کتاب قرآن) ، با حفظ ویژگی‌هایی همچون از نزد خداوندبودن، به کتابت درآمدن و حق و حقیقت‌بودن؛ مورد دیگر «بِالْحَقِّ» دو آیه، در «الصادقِ» دعا که هم‌پوشانی معنوی بینشان روشن است. معانی و مضامین کلمات یادشده، درجمله پایانی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

عبارت «صَدَقَ کِتابُکَ ...» به نوعی تکرار شده است. این موارد راه‌یابی متن غائب (قرآن مجید) را در متن حاضر (دعای عرفه) و جریان بینامتنی از نوع نفی کلی/ حوار را به خوبی نمایان می‌سازد.

۳-۳-۴. متن حاضر: «یا اَسْمَعَ السّامِعینَ یااَبْصَرَ النّاظِرینَ وَ یا اَسْرَعَ الْحاسِبینَ ...».

این کلام در آغاز فراز هفتم و عبارات پایانی دعای عرفه آمده است. در واقع حمد و ثنای خداوند با أسلوب نداء چند صفت او تعبیر شده است. پس از آن ذکر صلوات و یک دعای صریح (رهایی از آتش) و بیانی در مورد أجابت دعا (به نوعی دعای غیر صریح) ذکر شده و با ذکر توحیدی و استناد به آیه‌ای از قرآن و ندای «یا ربِّ» دعای عرفه پایان یافته است: «لااِلهَ اِلاّ اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ لَکَ الْمُلْکُ وَ لَکَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ یا رَبِّ یا رَبِّ...». گرچه از این فراز، عبارت نخست «یا اَسْمَعَ السّامِعینَ...» مورد بررسی قرار دارد.

متن غائب: «...لَهُ غَیْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ» (الکهف، ۲۶)، «... إِنَّ رَبِّی لَسَمِیعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم، ۳۹) ؛ «... إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ» (آل عمران، ۳۵) و آیات بسیار دیگر. «... وَ اللَّهُ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران، ۱۵و۲۰)؛ «... فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ» (غافر، ۵۶)؛ «... إِنَّهُ کَانَ بِعِبَادِهِ خَبِیراً بَصِیراً» (الإسراء،۳۰) «...وَاللَّهُ سَرِیعُ الْحِسَابِ» (البقره، ۲۰۲) و (نکـ : آل عمران، ۱۹ و ۱۹۹) و... .

ارتباط بینامتنی: در عبارات و کلمات پایانی دعای عرفه نیز همچنان رابطه بینامتنی با قرآن محفوظ است؛ با این توضیح که «یا اَسْمَعَ السّامِعینَ» (ای شنواترین شنوایان) با «...أَبْصِرْ بِهِ وَ أَسْمِعْ» و «السَّمِیعُ» (با کاربردی بسیار در قرآن) مرتبط است؛ گرچه أسلوب تعجب «أَبْصِرْ بِهِ وَ أَسْمِعْ» (خداوند چه بینا و چه شنوا است) و صفت مشبهه «السمیع» (شنوای همیشگی) در عبارت دعا به أسلوب نداء و معنای صفت عالی «شنواترین» تبدیل گردید. در «یا اَبْصَرَ النّاظِرینَ» با حفظ جان‌مایه«بصیر» (بینابودن)، در ساختار صرفی و معنی و أسلوب، تغییر ایجاد شد و در «یا اَسْرَعَ الْحاسِبینَ» ارتباط و تغییرات همانند دو

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

تعبیر پیش از خود است. این موارد و عبارات زیاد دیگر، در أصل صفات خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید هستند که در دعـای إمـام حسـین(ع) بـا نهایـت مهـارت و زیبـایی بازآفرینی شده‌اند. صورت «حوار» درعبارات پایان دعا، به روشنی جلوه‌گری دارد.

تعیین این صورت از بینامتنیت در دعای عرفه، هرچند به راحتی دو حالت قبلی نیست، ولی قطعا موارد و نمونه‌های دیگری دارد.

٤. نتایج مقاله

در این نوشتار، گذشته از مواردی که در زیربخش‌ها عرضه گردید، این نتایج نیـز قابـل افزودن است:

۱. ألفاظ و عبارات و مفاهیم بسیاری از قرآن کریم به دعای عرفه إمـام حسـین(ع) راه یافته است که گاهی بی‌تغییر و گاهی باتغییر و توسعه معنایی است. ایـن أمـر، بـا أصـول و قواعد علم بینامتنیت موافقت دارد و از قابلیت تطبیق و بازیابی (بـه لحـاظ ایـن علـم نیـز) برخوردار است و إرتباط این منبع اسلامی با قرآن کریم را نشان می‌دهد.

۲. بارزترین ویژگی دعای عرفه، ضمن حفظ جان‌مایه‌های لفظی و معنایی قرآن، تغییر و تبدیل و بازسازی آنها در أسلوب دعا است. لازمه این أمر هم شناخت کامـل قـرآن و هـم توان و مهارت در بازآفرینی است که حضرت إمام حسین(ع) به إعتبار هر دو جنبه در اوج قرار دارد.

۳. در دعای عرفه موارد زیادی از صورت‌های سه‌گانـه بینامتنیـت: نفـی جزئـی، نفـی متوازی و نفی کلی، قابل ازیابی است؛ گرچه به دلیل محدودیت فضـای مقالـه حاضـر، بـه موارد اندکی اکتفاء گردید. این أمر نیز به إرتباط وثیق دعای عرفه با قرآن مجید و دارابودن معارف والا و معتبر و برخورداربودن از جلالت و کرامت بالای آن دلالت دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

کتابشناسی

۱. قرآن مجید.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
۳. اقبال، ابراهیم؛ حسینی میلانی، سید مهدی، فرهنگ‌نامه أدوات و حروف در قرآن کریم، تهران، برهمند، ۱۳۹۴ش.
۴. انیس، محمد، ظاهرة الشعر المعاصر فی المغرب، مقاربة بنیویة تکوینیة، بیروت، دار العودة، ۱۹۷۹.
۵. خامه‌گر، محمد، تفسیر ساختاری قرآن کریم، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۹۲ش.
۶. خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، نجف أشرف، مؤسسةالإمام الخوئی الإسلامیة، ۱۴۱۳ق.
۷. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التأویل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۷ق.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه أعلمی، قم، دفتر انتشارات اسلامی،۱۳۹۳ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۸ق.
۱۰. عبدالباقی، فؤاد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۱ق.
۱۱. عزام، محمد شعریة الخطاب السردی، دمشق، منشورات اتحاد الکتاب العرب، ۲۰۰۵م.
۱۲. عطا، أحمد محمد، التناص القرآنی فی شعر جمال‌الدین بن نباته المصری، المؤتمر الدولی الرابع لکلیة الألسن، دانشگاه المنیا، ۲۰۰۷م.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، بیروت، دار و مکتبة الهلال، بی‌تا.
۱۴. قائمی‌نیا، علیرضا، بیولوژی نص: نشانه شناسی و تفسیر قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشة اسلامی، ۱۳۸۹ش.
۱۵. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، تهران، انتشارات مروی، ۱۳۷۲ش.
۱۶. کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الأمین و الدرع الحصین، بیروت، موسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لِدُرَرِ أخبارِ الأئمة الأطهار، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۸. همو، زاد المعاد، قم، جلوه کمال، ۱۳۸۹ش.
۱۹. مکاریک، ایرنا ریما، دانشنامة نظریه‌های ادبی معاصر (م. مهاجر و م. نبوی، مترجمان)، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۴ش.
۲۰. ممدوحی، حسن، شهود و شناخت، قم، مؤسسة بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.
۲۱. نامور مطلق، بهمن، درآمدی بر بینامتنیت، تهران، سخن، ۱۴۰۰ش.
۲۲. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۷ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-26]